

Modeling Parental Burnout based on Mother's Educational Attitudes Towards the Child with the Mediation of Self-Compassion in Parents of Students with Specific Learning Behavioral Disorder

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Zeinab Einali^۱
Hamid Jafarian Yasar^{*۲}
Zabih Pirani^۳

How to cite this article

Zeinab Einali, Hamid Jafarian Yasar, Zabih Pirani, Modeling Parental Burnout based on Mother's Educational Attitudes Towards the Child with the Mediation of Self-Compassion in Parents of Students with Specific Learning Behavioral Disorder, *Journal of Quran and Medicine*. ۲۰۲۳; ۷(۵): ۲۵۴-۲۶۵.

۱. PhD student, Department of Educational Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

۲. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

۳. Assistant Professor, Department of Educational Sciences and Psychology, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran.

* Correspondence:

Email: h.jafarian@cfu.ac.ir

Article History

Received: 2022/10/04

Accepted: 2023/02/08

ABSTRACT

The present study was conducted with the aim of modeling parental burnout based on the mother's educational attitudes towards the child with the mediation of self-compassion in the parents of students with special learning behavioral disorder. The purpose of applied research and its method was descriptive-correlation based on structural equations. The statistical population of the research consisted of all parents who have one or more children with specific learning behavioral disorder in Hamedan province in ۱۴۰۱-۱۴۰۰ who referred to special learning disorder treatment centers, and ۳۰۰ people were selected through available sampling. were chosen. To collect data, parental burnout questionnaire (PBA), Baumrind's parenting methods and NF self-compassion questionnaire (SCS-SF) were used. Data analysis was done through structural modeling using amos software. The results showed that the mediator of self-compassion has a negative relationship between mother's educational attitudes towards the child and parental burnout. It can be concluded that by changing the mother's attitude towards parenting as the most important person in a child's life, the vicious cycle of parenting can be corrected. And mothers become unhappy.

Keywords: Parental Burnout, Mother's Educational Attitudes Towards Children, Self-Compassion, Parents Of Students With Specific Learning Behavioral Disorder

مدلیابی فرسودگی والدینی براساس نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک با میانجی گری خوددلسوزی در والدین دانش آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص

زینب عینعلی

دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی تربیتی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

حمید جعفریان یسار*

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول).

ذبیح پیرانی

استادیار، گروه علوم تربیتی و روانشناسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر باهدف مدلیابی فرسودگی والدینی براساس نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک با میانجی گری خوددلسوزی در والدین دانش آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص انجام شده است. هدف پژوهش کاربردی و روش انجام آن توصیفی-همبستگی مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه والدین مادر که دارای یک یا چند فرزند دارای اختلال رفتاری یادگیری خاص در استان همدان در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ که به مراکز درمانی اختلال یادگیری خاص مراجعه می کردند، تشکیل می دادند و تعداد ۳۰۵ نفر از طریق نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه های پرسشنامه فرسودگی والدینی، شیوه های فرزندپروری بامریند و پرسشنامه خوددلسوزی نف استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها از طریق مدل یابی ساختاری با استفاده از نرم افزار

amos انجام پذیرفت. نتایج نشان داد مسیر نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک به فرسودگی والدینی رابطه منفی و مسیر نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک به خوددلسوزی رابطه مثبت و مسیر خوددلسوزی به فرسودگی والدینی رابطه منفی و معناداری وجود دارد. می توان نتیجه گرفت که با تغییر نگرش مادر نسبت به فرزندپروری به عنوان مهم ترین فرد زندگی کودک، می توان چرخه ی معیوب فرزندپروری را اصلاح کرد، به طور کلی تغییر نگرش مادر نسبت به فرزندپروری، سبب کاهش اختلالات کودکان و از میان برداشتن عامل اضطراب و ناخشنودی در مادران می شود.

کلید واژه ها: فرسودگی والدینی، نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک، خوددلسوزی، والدین دانش آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۹

*نویسنده مسئول: h.jafarian@cfu.ac.ir

مقدمه

سال هاست که معلمان آگاه متوجه این حقیقت شده اند که در کنار برخی از کودکان استثنایی هم چون کودکان ناشنوا، نابینا و آهسته گام، کودکانی هستند که بدون آن- که ناشنوا باشند، برخی کلمات و مطالب شنیداری را درک نمی کنند و یا با اینکه از قدرت بینایی خوبی برخوردارند؛ اما پاره ای نوشته ها و نمادهای بصری را درک نمی کنند یا به رغم آن که از بهره هوشی متوسط و بالاتر بهره مند می باشند، با روش های معمول و متداول آموزشی قادر به درک و فهم و یادگیری برخی از مطالب درسی نمی باشند. این قبیل کودکان و دانش آموزان در گروه های متعارف استثنایی جایی نداشته و عموماً در کنار

در طول سال‌های نخستین تحصیلات رسمی آغاز شده و ۵ تا ۱۵ درصد کودکان را در مدرسه تحت تاثیر قرار می‌دهد. برای اغلب والدین، استرس مربوط به فرزندپروری و رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان خود گذرا است و منجر به تأثیرات قابل توجهی در زندگی نمی‌شود؛ اما برای حدود ۲۰ درصد از والدین، سطح استرس مربوط به فرزندپروری و مسائل مرتبط با آن می‌تواند به فرسودگی والدینی منجر شود (سجورنه^۶ و همکاران ۲۰۱۸) که اهمیت آن در والدین فرزندان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص دوچندان می‌شود.

فرسودگی والدینی به صورت یک پاسخ طولانی مدت به استرس مزمن و طاقت فرسای فرزندپروری تعریف می‌شود (میکولایچک^۷ و همکاران، ۲۰۱۹). فرسودگی والدینی یک وضعیت مزمن است که از سطح بالای استرس فرزندپروری به دلیل عدم تطابق بین مواد مورد نیاز برای فرزندپروری و منابع در دسترس خانواده‌ها، برای رفع این نیازها ایجاد می‌شود (گریفیث^۸، ۲۰۲۲) و ابعاد خستگی نقش والدگری (احساس اینکه نقش فرد به عنوان مادر یا پدر در زندگی از بین رفته است)، تقابل با نقش والدگری قبلی (این تصور که فرد همچون گذشته پدر و یا مادر خوبی برای فرزندان خود نیست) بیزاری از والدگری (احساس خستگی و دلزدگی از پدر و یا مادر بودن)، و فاصله عاطفی از فرزندان (این احساس که فرد دیگر نمی‌تواند به عنوان پدر و یا مادر محبتش را به

همسالان خود در مدارس عادی حضور دارند؛ اما اغلب از نظر رشد و تحول زبان، ادراک بینایی، ادراک شنوایی و یاد درگیری برخی مسائل درسی مثل خواندن، نوشتن، و حساب کردن با مشکل اساسی مواجه هستند (افروز، ۲۰۱۳). این دانش‌آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص بوده و با وجود برخورداری از امکانات آموزشی، ضریب هوشی بهنجار و اشتیاق تحصیلی (کرانزler و همکاران^۱، ۲۰۲۰) پس از ورود به مدرسه با برخی مشکلات در زمینه‌های عملکرد مدرسه و پیشرفت تحصیلی و سازگاری آموزشی مواجه می‌شوند (تاکدا و لامیسهان^۲، ۲۰۱۸)؛ اما نمی‌توان مشکلات یادگیری آن‌ها را ناشی از اختلالات بینایی، شنوایی، عاطفی و یا شرایط نامساعد محیطی، اقتصادی و فرهنگی دانست (کومار و آگراوال^۳، ۲۰۱۹). براساس ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-۵)^۴، اختلال یادگیری خاص، اختلالی است که در آن فرد در یادگیری و استفاده از مهارت‌های تحصیلی مانند: دست-کم شش ماه داشتن حداقل یک مورد از موارد خواندن ناصحیح یا آهسته و دشواری در خواندن، مشکل در درک معنای متن یا جملات خوانده شده، مشکل در هجی کردن، مشکل در بیان نوشتاری باورها، مشکل در تسلط بر قواعد اعداد و ارقام، اطلاعات عددی یا محاسبه و استدلال ریاضی، مشکل دارد (انجمن روان‌پزشکی آمریکا^۵، ۲۰۱۳). این اختلال منشأ عصبی-تحولی دارد و

^۵. American Psychiatric Association

^۶. Séjourné

^۷. Mikolajczak

^۸. Griffith

^۱. Kranzler

^۲. Takeda & Lamichhane

^۳. Kumar & Agrawal

^۴. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition

(مویدین و متهای^۳، ۲۰۱۸)، چراکه آن‌ها زمان بیشتری را با کودکان سپری می‌کنند، اولین و اصلی‌ترین مراقبان کودک هستند، نسبت به آینده‌ی کودکان نگرانی بیشتری دارند و خود را مسئول می‌دانند و مناسب‌ترین فرد برای هدایت کودکان تا بزرگسالی هستند که بار اصلی مراقبت‌ها و انسجام خانوادگی بر دوش آن‌ها است (مویدین و متهای، ۲۰۱۸). مادران کودکان مبتلا به ناتوانی یادگیری در زمینه سلامت روانی، رضایت از زندگی، استرس و اضطراب، افسردگی و شادکامی و سازگاری با ناتوانی کودکان دچار مشکلات متعددی هستند و این شرایط پیامدهای قابل توجهی را در زمینه رابطه زوجی و رابطه والد فرزندی و سلامت روانی و اجتماعی اعضای خانواده دارد (متین و همکاران، ۱۳۹۹). به عبارتی، ناتوانی‌های یادگیری کودکان ضربه‌های مخربی بر خانواده‌های آن‌ها به‌ویژه مادران آن‌ها می‌گذارد. خانواده‌هایی که فرزندان به آن‌ها ناتوانی یادگیری دارند، دارای مشکلات سازشی بیشتر نسبت به والدین عادی هستند (پوراابراهیم و دنیاامالی، ۱۴۰۰). این کودکان ناخواسته هزینه‌های مالی و عاطفی بیشتری را نسبت به هم‌تایان سالم‌شان به مادران تحمیل می‌کنند (دوارنا و عبدالله^۴، ۲۰۱۹) و حتی می‌توانند بر روابط - زناشویی زوجین، فشار روانی اجتماعی و اقتصادی نیز تاثیر بگذارند (فتح‌اله‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰). پژوهش‌ها نیز نشان داده‌اند که درک والدین از میزان ناتوانی یادگیری فرزند (فانگ^۵ و همکاران، ۲۰۲۲)، توانایی والدین در شناخت منابع فیزیکی و عاطفی خود (اسمان و

فرزندان خود نشان دهد) را شامل می‌شود (رزکام^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). ازسویی والدین فرسوده، از مواجهه‌ی روزانه با فرزندان‌شان خسته می‌شوند و از نقش والدینی خود بیزارند، احساس تهی‌شدن و خودتقصیری دارند، کمتر درگیر برقراری رابطه فعال با فرزندان‌شان شده و از مدیریت کارآمد مسائل فرزندان‌شان عاجزند (میکولایچک و همکاران، ۲۰۱۸). ازسویی، والدگری می‌تواند بسیار لذت‌بخش باشد و درعین حال پراسترس، زمانی که والدین منابع حمایتی لازم برای روبه‌رو شدن با استرس‌های مرتبط با فرزندپروری را نداشته باشد، امکان- دارد دچار فرسودگی والدگری شوند. فرسودگی والدگری با خستگی بیش‌ازاندازه مرتبط با نقش والدگری، فاصله‌گیری عاطفی از فرزند یا فرزندان و احساس بی‌کفایتی مشخص می‌شود (رزکام و همکاران، ۲۰۱۷).

منظور از نگرش‌های تربیتی والدین مجموعه طرح‌واره‌های مربوط به سبک‌فرزندپروری است که الگوها یا درون‌مایه‌های فراگیر و عمیقی هستند از خاطرات و هیجان‌ها، شناخت‌واره‌ها، احساسات بدنی که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته‌اند و درمسیر زندگی تداوم دارند و به‌گفته یانگ این طرح‌واره‌های مربوط به سبک‌های فرزندپروری در دوران بعدی زندگی بر عملکرد افراد نسبت به فرزندان‌شان اثرمی‌گذارد (یانگ^۲، ۲۰۰۴). پژوهش‌ها به‌روشنی نشان داده‌اند که مادران در مقایسه با پدران، تنیدگی بیشتری را تجربه می‌کنند

^۴. Dewarna & Abdullah

^۵. Fang

^۱. Roskam

^۲. Yang

^۳. Moideen & Mathai

است ریشه اصلی خوددلسوزی در فشارها و شرایط پرتنش زندگی قرار دارد و براین باورند که این سازه بیش از این که به عنوان یک الگوی هیجانی منفی و خنثی باشد، به مثابه یک راهبرد تنظیم هیجانی موثر عمل می‌کند و زمینه شکل‌گیری احساسات مثبت بیشتری از مهرورزی را فراهم می‌سازد. به عبارتی، خوددلسوزی، شامل در ارتباط بودن با درد و رنج خود به جای اجتناب و یا قطع ارتباط با آن، ایجاد تمایل به رفع آن رنج و مهربانی کردن با خود است و مقابله با قضاوت‌های غیرواقعی نسبت به درد، بی‌کفایتی و شکست‌ها را شامل می‌گردد (پایرس و همکاران^۵، ۲۰۱۸). خوددلسوزی رابطه مثبت با رضایت از زندگی دارد (جنینگ و فیلیس، ۲۰۱۴) و افرادی که دارای خوددلسوزی بالاتری هستند؛ در حل تعارض‌های بین‌فردی سازش بیشتری از خودشان نشان داده؛ و آشفتگی‌های عاطفی کمتری را بروز می‌دهند (یارنل و نف^۶، ۲۰۱۳؛ کیامرثی و طاهری‌فرد، ۱۳۹۹) همچنین سطح بالای خوددلسوزی تمایل به انجام افکار تکراری و انتقادی از خود را کاهش می‌دهد (محبی و همکاران، ۲۰۲۱) و فرسودگی کمتری را نیز تجربه می‌کنند.

به‌طور کلی، میزان شیوع اختلال یادگیری خاص را چاکو و ویدوکومار^۷ (۲۰۲۰) در بین دانش‌آموزان ۱۶/۴۹ درصد و میزان اختلال خواندن، نوشتن و ریاضی به ترتیب ۱۲/۵۷، ۱۵/۶ و ۹/۹۳ درصد را نشان داده‌اند.

اسونس^۱، (۲۰۲۱) و داشتن فرزند مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص (موسوی، ۱۳۹۸) در پیش‌بینی فرسودگی والدینی از اهمیت قابل توجهی برخوردارند. خوددلسوزی به‌عنوان یک میانجی، هنگامی که افراد با مشکل مواجه می‌شوند، برای مداخله در ارزیابی منفی از خود، کارساز است و می‌تواند توان مقابله فرد را در مواجهه با شکست‌ها و محرومیت‌ها بالا ببرد (بلوث و بلانتون^۲، ۲۰۱۵).

نف^۳ (۲۰۰۳) خوددلسوزی را رویکردی متعادل و حمایت‌گر از خود در موقعیت‌های سخت و یادآوری تنها نبودن فرد در رنج خود می‌داند. در واقع خوددلسوزی به افزایش توانایی خود برای شناخت و ایجاد انگیزه تغییر معنادار کمک می‌کند (پاولی و مک‌فرسون^۴، ۲۰۱۰). این سازه نمایانگر گرمی و پذیرش جنبه‌هایی از خود و زندگی است که خوشایند بوده و شامل سه عنصر اصلی می‌باشد. اول هر زمان که فرد متوجه ناکارآمدی خود می‌شود و از آن رنج می‌برد، موجودیت (بودن) خود را دوست می‌دارد و آن را درک می‌کند. دوم، حسی است از ویژگی مشترک انسانی و تشخیص این امر که درد و شکست جنبه‌های غیرقابل اجتناب مشترک در تجربه همه‌ی انسان‌هاست. نهایتاً، خوددلسوزی معرف آگاهی متعادل نسبت به هیجان‌ات خود است و این شامل توانایی مواجهه با افکار و احساسات رنج‌آور به‌جای اجتناب از آن‌ها، بدون بزرگ‌نمایی و با احساس غم و تاسف برای خود می‌شود (نف، ۲۰۱۱). همچنین، نف (۲۰۰۹) معتقد

^۵. Pires

^۶. Yarnell & Neff

^۷. Chacko & Vidhukumar

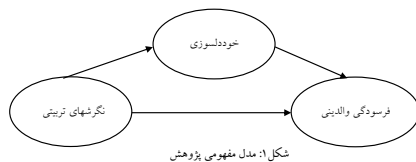
^۱. Smane & Svence

^۲. Bluth & Blanton

^۳. Neff

^۴. Pauley & McPherson

روانی و عاطفی همراه است، از ویژگی های مادران دارای دانش آموز مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص می باشد (فرامرزی و همکاران، ۱۳۹۲) که پژوهش ها نشان داده اند جنبه مثبت این سازه ها می توانند در کاهش فرسودگی والدینی موثر باشند. بررسی های انجام شده بر روی ادبیات تحقیق نشان می دهد که پژوهشی نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک، به عنوان عوامل موثر و پیش بینی کننده فرسودگی والدینی بررسی نکرده است و همین طور باتوجه به نقش خوددلسوزی که یک راهبرد نظم جویی هیجانی است (چائو و همکاران^۴، ۲۰۱۸) مورد پژوهش و بررسی قرار نگرفته است. باتوجه به مباحث مطرح شده، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که آیا مدل فرسودگی والدینی براساس نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک با میانجی گری خوددلسوزی در والدین دانش آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص برآزش دارد؟



اختلال یادگیری خاص مراجعه می کردند، تشکیل می - دادند. برای حجم نمونه باتوجه به پژوهش های مربوط به - روش تحقیق همبستگی از نوع مدل معادلات ساختاری براساس دیدگاه کلین که عنوان می کند در مدل یابی معادلات ساختاری حجم نمونه موردقبول باید حداقل

در پژوهش دیگر، میزان شیوع اختلال رفتاری یادگیری خاص بین ۵ تا ۱۵ درصد گزارش شده است (گریگورنکو و همکاران^۱، ۲۰۲۰). در ایران نیز شیوع ناتوانی های یادگیری نارساختوانی ۸/۷ درصد، ناتوانی ریاضی ۶/۷ درصد و ناتوانی دیکته ۷/۲ گزارش شده است (عباسی و غیرتی، ۱۴۰۱). همچنین نتایج مطالعات متعدد وجود احساسات منفی، اضطراب، افسردگی، تنیدگی و سایر مشکلات روان شناختی بیشتر (کومار و آگراوال، ۲۰۱۹) و کیفیت زندگی پایین در والدین کودکان مبتلا به اختلال یادگیری در مقایسه با والدین کودکان عادی اشاره کرده اند (کاراند و همکاران^۲، ۲۰۰۹؛ جینیری کوکوسیسی و همکاران^۳، ۲۰۱۳). اختلال های یادگیری در کودکان، پیوند مادرو کودک را دست خوش تغییر می نماید؛ زیرا مادرانی که کودک دارای اختلال یادگیری دارند، دچار مشکلات فراوانی می شوند و این موضوع رابطه مراقبتی و صمیمانه والد - فرزند را دست خوش مشکلات زیادی می کند. فقدان روابط صمیمانه (نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک)، رفتارهای غیرقابل انعطاف (خوددلسوزی) و پرخاشگری رفتارهای برونی سازی شده و اضطراب و افسردگی و اختلالات روان تنی که اکثرا با تعارض های

مواد و روش ها

روش پژوهش باتوجه به ماهیت موضوع مطالعه توصیفی از نوع همبستگی، مبتنی بر معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش را کلیه والدهای مادر که دارای دانش - آموز مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ استان همدان که به مراکز درمانی

^۳ . Ginieri -Coccosis

^۴ . Chu

^۱ . Grigorenko

^۲ . Karande Mahajan & Kulkarni

شده در هر مرکز نیز در پژوهش رعایت گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و برازش مدل از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار $\text{amos}24$ انجام پذیرفت. جهت سنجش متغیرهای پژوهش از ابزار پرسشنامه به شرح زیر استفاده شد:

پرسشنامه فرسودگی والدینی ۱ (PBA): مقیاس سنجش فرسودگی والدینی اولین بار در ۲۳ گویه توسط رزکام و همکاران (۲۰۱۸) ساخته شده است که برای ارزیابی میزان خستگی و فرسودگی والدینی ناشی از وظایف فرزندپروری است که شامل چهار خرده‌مقیاس: خستگی در نقش والدینی، تقابل با خود والدینی گذشته، احساس بی‌زاری از نقش والدین و فاصله گرفتن عاطفی از فرزندان می‌باشد. نمره‌گذاری در طیف لیکرت هفت درجه‌ای هرگز (۰) تا هرروز (۶) که دامنه نمرات بین صفر تا ۱۳۸ قرار دارد. نمرات نزدیک به صفر نشان‌دهنده نداشتن علائم فرسودگی والدینی و نمرات نزدیک به طیف انتهایی فرسودگی والدینی را بیان می‌کند. پایایی آزمون در بازه‌ی زمانی در نظر گرفته شده بین ۰/۶۹ تا ۰/۸۸ محاسبه شده است، روایی آزمون فرسودگی والدینی از طریق ضرایب همبستگی با سطح خستگی والدینی، روان-رنجوری، اختلاف نظر والدین و بی‌نظمی خانواده به ترتیب ۰/۷، ۰/۴۷، ۰/۲۲، ۰/۵۳ گزارش شده است (رزکام، بریاندا و میکولاژاک، ۲۰۱۸). این مقیاس در ایران توسط موسوی (۲۰۱۸) طی فرایند اجرای طرح بین-المللی به هدایت رزکام و میکولاژیک (۲۰۱۸) به فارسی برگردانده و توسط موسوی، رزکام و میکولاژیک (۲۰۲۰) اعتباریابی شد. در پژوهش موسوی (۱۳۹۸)

۲/۵ و حداکثر ۵ برابر گویه‌ها یا سوالات ابزارهای اندازه‌گیری باشد (کلین، ۲۰۱۱)؛ در پژوهش حاضر با احتساب مجموع ۱۲۱ گویه، با استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس و با جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده و کنار گذاشتن پرسشنامه‌های مخدوش و ناقص، تعداد ۳۰۵ پرسشنامه جمع‌آوری و وارد تحلیل شدند. برای اجرا از بین شهرهای استان همدان که در آن‌ها، مراکز درمانی اختلال یادگیری خاص که زیر نظر آموزش‌پرورش منطقه فعالیت داشتند، وجود داشت، ده شهر و سپس از هر شهر دو مرکز درمانی اختلال یادگیری به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس با مراجعه به مراکز، و با توجه به ملاک‌های ورود به پژوهش: رضایت آگاهانه شرکت در طرح پژوهش، عدم مراجعه به جلسات مشاوره فردی، عدم مشکلات زناشویی و عدم تک‌والد بودن فرزندان؛ مادرانی که به مراکز مراجعه کرده بودند و تمایل به همکاری داشتند در تحقیق شرکت داده می‌شدند و پرسش‌نامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار می‌گرفت. لازم به ذکر است برای اینکه نتایج پژوهش در راستای مشکلات فرزندان با اختلال یادگیری خاص بود و مشکلات زناشویی و جلسات مشاوره می‌توانست بر روی نتایج اثر مثبت یا منفی بگذارد، برای خنثی نمودن اثر آن‌ها، این موارد کنترل شد. علاوه بر این ملاک‌های خروج نیز شامل عدم تمایل به همکاری بود. همچنین ملاحظات اخلاقی اعم از مطلع بودن شرکت‌کنندگان از روند پژوهش و جلب رضایت جهت شرکت در مطالعه و محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان از قبیل بدون نام بودن پرسشنامه‌ها و عدم جداسازی پرسشنامه‌های جمع‌آوری

پرسشنامه خوددلسوزی نف (SCS-SF): این مقیاس توسط نف در سال ۲۰۰۳ ساخته شده است که دارای ۶ زیر مقیاس، مهربانی نسبت به خود، قضاوت خود، بهشیاری، همانند سازی افراطی، اشتراکات انسانی و انزوا می باشد. نحوه نمره گذاری به صورت لیکرت ۵ درجه ای (تقریباً هرگز=۱ تا تقریباً همیشه=۵) می باشد که حد نمره پایین برابر با ۲۶ و حد نمره بالا برابر با ۱۳۰ است و نمره بالاتر نشان دهنده میزان خوددلسوزی بیشتر فرد به خود خواهد بود. ضریب اعتبار باز آزمایشی مقیاس خود دلسوزی ۰/۹۳ است (نف ۲۰۰۳، ۲۰۰۵). این پرسشنامه توسط خسروی و همکاران (۱۳۹۲) به فارسی برگردانده شد و بر روی ۶۱۹ نفر از دانشجویان اجرا شد و ضرایب آلفای کرونباخ برای مولفه مهربانی با خود ۰/۸۱، قضاوت نسبت به خود ۰/۷۹، اشتراکات انسانی ۰/۸۴، انزوا ۰/۸۵، بهشیاری ۰/۸۰، همانندسازی افراطی ۰/۸۳ و پرسشنامه کل ۰/۷۶ به دست آمد که نشانه روایی مطلوب پرسشنامه است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر ۰/۷۴ به دست آمد.

یافته های پژوهش

پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل فرسودگی والدینی براساس نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک با میانجی گری خوددلسوزی در والدین دانش آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص انجام گرفت. در این پژوهش در مجموع ۳۰۵ نفر والد های مادر دانش آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری حضور داشتند که از این تعداد ۱۵۷ نفر از فرزندان پسر و ۱۴۸ نفر دختر بوده اند.

پرسشنامه فرسودگی والدینی بر روی ۴۴۸ والدین ایرانی که ۲۲۶ مادر و ۲ پدر بودند، اجرا شده است و ضرایب آلفای کرونباخ آن برای زیر مقیاس خستگی از نقش والدینی ۰/۹۱، تقابل با خود والدینی گذشته ۰/۹۰، احساس بیزاری از نقش والدینی ۰/۸۸، فاصله عاطفی از فرزندان ۰/۶۹، محاسبه شده است، روایی آزمون فرسودگی والدینی با رضایت والدین و سلامت روانی به ترتیب ۰/۳۸، -۰/۲۸- گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر ۰/۶۷ به دست آمد.

پرسشنامه شیوه های فرزندپروری بامریند: ابزار سنجش فرزند پروری بامریند از آزادگذاری، استبداد و اقتدار- منطقی والدین، جهت بررسی مدل های نفوذ و شیوه های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ سؤال که ۱۰ سؤال آن به شیوه آزادگذاری، ۱۰ سؤال به شیوه استبدادی و ۱۰ سؤال به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می شود. نمره گذاری به- صورت لیکرت پنج درجه ای از کاملاً مخالفم (صفر نمره) تا کاملاً موافقم (نمره ۴) که هر مولفه بیشترین نمره را کسب کند، نشان دهنده شیوه والدینی می باشد. میزان پایایی این پرسشنامه برای شیوه آزادگذاری، شیوه استبدادی و شیوه اقتدار منطقی بالای ۷۰ درصد است. اعتبار و روایی پرسشنامه قبلاً توسط اسفندیاری (۱۳۹۰) و رضایی (۱۳۹۲) مورد استفاده قرار گرفته و این محققان اعتبار و پایایی خوبی را در مورد آن گزارش کرده اند. بوری (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی گزارش کرد. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ این پرسشنامه برابر ۰/۸۴ به دست آمد.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

گزینه	فراوانی	فراوانی درصدی
دیپلم و کمتر	۹۲	۳۰/۲
کارشناسی	۱۰۴	۳۴/۰۶
کارشناسی ارشد	۷۵	۲۴/۶
دکتری و بالاتر	۳۴	۱۱/۱۴
پایه اول ابتدایی	۴۶	۱۵/۱
پایه دوم ابتدایی	۵۹	۱۹/۳
پایه سوم ابتدایی	۴۸	۱۵/۷
پایه چهارم ابتدایی	۵۱	۱۶/۷
پایه پنجم ابتدایی	۳۹	۱۲/۸
پایه ششم ابتدایی	۶۲	۲۰/۳
مجموع	۳۰۵	۱۰۰

جدول ۲: میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی متغیرهای مدل پیشنهادی

متغیر پژوهش	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی		کشیدگی	
				آماره	خطای استاندارد	آماره	خطای استاندارد
فرسودگی والدینی	۳۰۵	۹۲/۲۹۰	۱۰/۷۴۵	-۱/۳۷۸	۰/۳۲۲	۱/۶۲۳	۰/۶۳۴
نگرش‌های تربیتی	۳۰۵	۵۸/۹۸۱	۱۸/۴۴۵	۰/۲۲۰	۰/۳۲۲	-۰/۸۴۵	۰/۶۳۴
خوددلسوزی	۳۰۵	۸۲/۳۶۳	۱۲/۶۶۵	-۰/۷۰۳	۰/۳۲۲	-۰/۱۲۵	۰/۶۳۴

همبستگی پیرسون مدل بررسی شد و نتایج آن در جدول ۳ آورده شده است.

نتایج جدول ۲، مقدار میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش آمده است. مقادیر آماره چولگی و کشیدگی از مقدار ۲، کمتر می‌باشند که نشان‌دهنده رعایت پیش-فرض نرمال بودن داده‌های پژوهش است. سپس ضرایب

جدول ۳: ضرایب همبستگی پیرسون متغیرهای مدل پیشنهادی

فرسودگی والدینی	نگرش‌های تربیتی	خوددلسوزی
۱		
ضریب همبستگی		
فرسودگی والدینی		
سطح معناداری		

		ضریب همبستگی	-۰/۴۰۴**	۱
نگرش های تربیتی		سطح معناداری	۰/۰۰۲	
		ضریب همبستگی	-۰/۳۷۴**	۱
خوددلسوزی		سطح معناداری	۰/۰۰۵	۰/۴۲۸**
		سطح معناداری	۰/۰۰۱	

شاخص های چولگی و کشیدگی بین +۲ و -۲ بیانگر عدم انحراف چشم گیر از مفروضه منحنی نرمال است. نتایج استقلال خطاها یا استقلالها نیز که آماره متغیرهای پژوهش بین ۱/۵ و ۲/۵ می باشد که نشان از برقراری این مفروضه در پژوهش حاضر می باشد. همچنین نتایج مفروضه ها نشان داد که مسئله هم خطی بودن در بین متغیرهای پیش بین تحقیق رخ نداده است، زیرا که مقادیر ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس برای هر یک از متغیرهای پیش بین بالاتر از ۱۰ نیست (میرز و همکاران، ۲۰۰۶). نرمال بودن توزیع چندمتغیری یکی دیگر از مفروضه تحلیل مدلیابی معادلات ساختاری بود که از طریق بررسی شکل توزیع داده های «فاصله مهلنوبایس (D)»^۳ ارزیابی شد. در پژوهش حاضر شاخص کشیدگی نمره های فاصله مهلنوبایس که مقدار آن برابر با ۲/۰۹۳ بود که این ارزش براساس دیدگاه کلاین (۲۰۱۶) در محدوده ± 2 است که نشان می دهد که ترکیب متغیر پیش بین در تبیین متغیرهای ملاک نرمال است و بیانگر توزیع نرمال داده های پژوهش می باشد.

جدول ۳ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش حاضر را نشان می دهد. همان طور که مشاهده می شود فرسودگی والدینی با نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک با -۰/۴۰۴ و خوددلسوزی ۰/۳۷۴ در سطح آلفای یک صدم رابطه منفی و معناداری دارد. نگرش های تربیتی مادر نسبت به کودک نیز با خوددلسوزی با ضریب همبستگی ۰/۴۲۸ ($p < 0/01$) رابطه مثبت و معناداری دارد ($p < 0/05$).

پیش از برازش مدل، ابتدا ارزیابی نرمال بودن توزیع داده های تک متغیری، مفروضه رابطه خطی، عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ تک تک متغیرها و نرمالیت چندمتغیره و داده پرت چندمتغیره، مورد بررسی قرار گرفت. مقدار آزمون شاپیروویلیک برای هیچ یک از متغیرها معنادار نبود و نشان دهنده توزیع پراکندگی نرمال است. همچنین نتایج نمودار پراکنش، از برقراری مفروضه رابطه خطی بین متغیرهای پژوهش نشان داد. مفروضه های خاص مدل معادلات نشان داد که ارزش های کشیدگی و چولگی هیچ یک از متغیرها از محدوده بین +۲ و -۲ خارج نشده است. از نظر کلاین (۲۰۱۶)

جدول ۴: پارامترهای مدل اندازه گیری پژوهش در تحلیل عاملی تأییدی

^۳ Mahalanobis distance (D)

^۱ - variance inflation factor

^۲ - tolerance

متغیرهای مکنون	متغیرهای نشانگر	بارهای عاملی غیراستاندارد	بارهای عاملی استاندارد β	خطای استاندارد برآورد SE	مقدار آماره C.R	سطح معناداری P-value	پایایی سازه همگرا	روایی همگرا AVE
فرسودگی والدینی	خستگی در نقش والدینی	۰/۵۰۷	۰/۵۹۸	۰/۱۶۳	۳/۱۱۷	۰/۰۰۲	۰/۷۳	۰/۰۶
	تقابل با خود والدینی گذشته	۰/۴۰۰	۰/۵۲۲	۰/۱۳۸	۲/۹۰۵	۰/۰۰۴		
	احساس بیزاری از نقش والدینی	۱/۰۰۰	۰/۸۴۵					
	فاصله گرفتن عاطفی از فرزندان	۰/۲۰۳	۰/۴۲۴	۰/۰۸۱	۲/۵۰۴	۰/۰۱۲		
زندگی والدین	آزادگذاری	۱/۰۰۰	۰/۸۰۹				۰/۸۵	۰/۰۶
	استبدادی	۱/۱۸۵	۰/۸۲۶	۰/۱۹۶	۶/۰۳۴	۰/۰۰۱		
	اقتدار منطقی	۱/۱۴۱	۰/۸۱۹	۰/۱۹۰	۶/۰۱۲	۰/۰۰۱		
خوددلسوزی	مهربانی نسبت به خود	۱/۰۰۰	۰/۷۰۳				۰/۷۴	۰/۰۷
	قضات خود	۰/۴۴۲	۰/۴۴۷	۰/۱۵۸	۲/۷۹۳	۰/۰۰۵		
	اشتراک انسانی	۰/۹۵۱	۰/۷۱۰	۰/۲۳۴	۴/۰۶۷	۰/۰۰۱		
	انزوا	۰/۸۰۰	۰/۵۸۲	۰/۲۲۷	۳/۵۲۳	۰/۰۰۱		
	بهشیاری	۰/۸۸۶	۰/۶۲۸	۰/۲۳۶	۳/۷۴۸	۰/۰۰۱		
	هماندسازی	۰/۴۴۷	۰/۳۹۸	۰/۱۷۸	۲/۵۱۰	۰/۰۱۲		

همه نشانگرها از قابلیت لازم برای اندازه گیری متغیرهای مکنون خود برخوردارند. بارهای عاملی استاندارد نشده مربوط به چهار نشانگر احساس بیزاری از نقش والدینی، آزادگذاری و مهربانی نسبت به خود با عدد ۱ تثبیت شده، بنابراین خطای استاندارد و نسبت بحرانی آن‌ها محاسبه نشده است. در ستون انتهای جدول دو شاخص برازش تحلیلی عاملی، پایایی سازه و روایی همگرا آمده است که مقادیر نشان از برازش مطلوب مدل می‌دهند. قبل از بررسی ضرایب مسیر باید در ابتدا از برازش مدل با داده‌ها اطمینان حاصل کرد.

جدول ۴ نشان می‌دهد که بارهای عاملی استاندارد همه نشانگرها بالاتر از ۰/۳۲ است. طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۲۰۱۳)، بارهای عاملی پایین تر از ۰/۳۲ ضعیف محسوب شده و می‌توان گفت چنین نشانگرهایی از توان لازم برای سنجش متغیر مکنون خود برخوردار نیستند. براساس جدول ۵ بالاترین بار عاملی متعلق به نشانگر احساس بیزاری از نقش والدینی در شناسایی فرسودگی والدینی ($\beta=0/845$) و پایین‌ترین بار عاملی متعلق به نشانگر همانندسازی در شناسایی خوددلسوزی ($\beta=0/398$) است. با استناد به نتایج جدول می‌توان گفت

جدول ۵: شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش در تحلیل عاملی تاییدی

مقیاس‌های پژوهش	نسبت کای اسکور به درجات آزادی	سطح معناداری	شاخص برازش هنجار شده (GFI)	ریشه میانگین مجذور خطای	شاخص برازش	شاخص برازش
	(CMIN/DF)				برازش	برازش

افزایشی (IFI)	نسبی (NFI)	تطبیقی (CFI)	میانگین (RMSEA)	کای دو (x ²)	فرسودگی والدینی
۱/۰۴۶	۰/۹۸۹	۰/۹۷۴	۰/۰۰۱	۰/۹۹۶	۰/۸۱۳
۰/۹۷۲	۰/۹۶۳	۱/۰۰۰	۰/۰۷۴	۱/۰۰۰	۰/۶۲۵
۱/۰۴۵	۰/۹۱۰	۱/۰۰۰	۰/۰۵۶	۰/۹۶۶	۰/۷۱۳

نتایج شاخص های برازش در جدول ۵ برای مدل اندازه-گیری نشان می دهد که کلیه شاخص های برازندگی از جمله χ^2 ($P > ۰/۰۵$)، χ^2/df ، GFI، AGFI و CFI در دامنه قابل قبول ۰/۹۰ به بالا هستند و شاخص RMSEA در دامنه مجاز ۰/۰۸ قرار دارد و نشان دهنده مطلوب بودن مدل اندازه گیری می باشد.

جدول ۶: شاخص های برازش مدل پیشنهادی

شاخص ها	حد قابل قبول	مقادیر
نسبت کای اسکوتر به درجات آزادی (CMIN/DF)	کوچک تر از ۳	۰/۷۷۱
سطح معناداری کای دو (x ²)	بیشتر از ۰/۰۵	۰/۹۰۸
شاخص برازش هنجار شده (GFI)	بالاتر از ۰/۹	۰/۸۸۸
ریشه میانگین مجذور خطای میانگین (RMSEA)	کوچک تر از ۰/۰۸	۰/۰۱
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	بالاتر از ۰/۹	۱/۰۰۰
شاخص برازش نسبی (NFI)	بالاتر از ۰/۹	۰/۸۰۶
شاخص برازش افزایشی (IFI)	بالاتر از ۰/۹	۱/۱۰۷

نتایج شاخص های برازش در جدول ۶ برای مدل پیشنهادی نشان می دهد که کلیه شاخص های برازندگی از جمله χ^2 ($P > ۰/۰۵$)، χ^2/df ، GFI، AGFI و CFI در دامنه قابل قبول هستند و شاخص RMSEA در دامنه مجاز ۰/۰۸ قرار دارد و نشان دهنده مطلوب بودن مدل-پیشنهادی می باشد، به عبارتی می توان گفت مدل با داده های حاصل از پژوهش برازش مناسبی دارد. نتایج مربوط به اثرات مستقیم و غیرمستقیم برای آزمون فرضیه در ادامه آمده است.

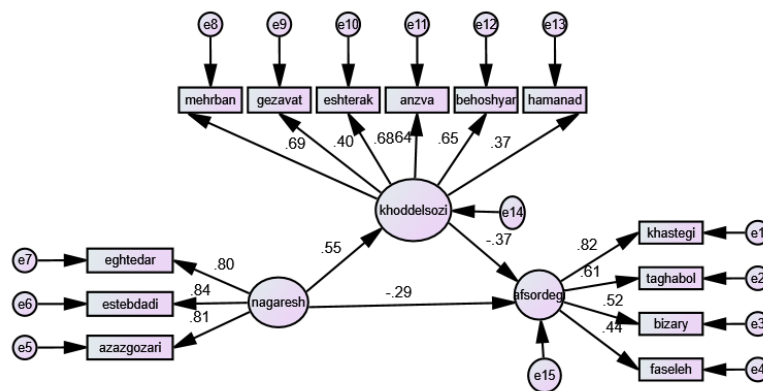
جدول ۷: ضرایب رگرسیون مستقیم، غیرمستقیم متغیرهای موجود در مدل

متغیرها	ضریب رگرسیونی غیراستاندارد	ضریب رگرسیونی استاندارد	خطای استاندارد	مقداره	سطح معناداری
	B	Beta	S. E	T	P-value
نگرش های تربیتی - فرسودگی والدینی	-۰/۲۳۸	-۰/۲۸۶	۰/۱۶۳	-۱/۱۵۸	۰/۰۲۵
نگرش های تربیتی - خوددلسوزی	۰/۲۶۱	۰/۵۵۱	۰/۰۸۴	۳/۱۰۰	۰/۰۰۲

۰/۰۳۲	-۱/۷۳۷	۰/۳۷۰	-۰/۳۶۶	-۰/۶۴۲	خوددلسوزی - فرسودگی والدینی
-------	--------	-------	--------	--------	-----------------------------

کودک به خوددلسوزی ($\beta=۰/۵۵۱$, $df=۲۱۳$, $p<۰/۰۱$) رابطه مثبت و معنادار، و مسیر خوددلسوزی به فرسودگی والدینی ($\beta=-۰/۳۶۶$, $df=۲۱۳$, $p<۰/۰۵$) رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

همطور که نتایج جدول ۷ نشان می‌دهد که مسیر نگرش‌های تربیتی مادر نسبت به کودک به فرسودگی والدینی ($\beta=-۰/۲۸۶$, $df=۲۱۳$, $p<۰/۰۵$)، رابطه منفی و معناداری، مسیر نگرش‌های تربیتی مادر نسبت به



شکل ۲: مدل مفهومی پژوهش

یافته می‌توان بیان نمود که وجود دانش‌آموزان با اختلال رفتاری یادگیری خاص در یک خانواده معمولاً کل اعضای خانواده را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد و تغییرات گسترده‌ای را در کل زندگی خانواده‌ها، به‌ویژه مادران ایجاد می‌کند. مادران این دانش‌آموزان در مقایسه با پدران، به‌دلیل اینکه وقت بیشتری را با فرزند خود می‌گذرانند، اضطراب و تنش بیشتری را متحمل می‌شوند، به‌طوری‌که در تفاوت با دانش‌آموزان عادی، واکنش‌های روان‌شناختی گوناگونی مانند انکار، احساس گناه، اضطراب و افسردگی را تجربه می‌کنند که بر کیفیت

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف طراحی مدل فرسودگی والدینی براساس نگرش‌های تربیتی مادر نسبت به کودک به میانجی‌گری خوددلسوزی در والدین دانش‌آموزان مبتلا به اختلال یادگیری خاص بود. نتایج یافته‌ها نشان داد که مسیر نگرش‌های تربیتی مادر نسبت به کودک به فرسودگی والدینی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که نتایج پژوهش با پژوهش فانگ و همکاران (۲۰۲۲)، آوریما^۱ و همکاران (۲۰۲۲)، ایزدپناه و همکاران (۱۴۰۰) و موسوی (۱۳۹۸) هم‌سو می‌باشد. در تبیین این

^۱. Auriemma

روابط بین مادر و کودک و نقش آن‌ها در سازگاری موفقیت‌آمیز این کودکان با محیط‌شان تأثیر می‌گذارد (ال‌یاگان^۱، ۲۰۱۵). فانگ و همکاران (۲۰۲۲) دریافتند که شواهدی مبنی بر ارتباط بین فرسودگی مادر با مشکلات کلی کودک، مشکلات برونی‌سازی و درونی‌سازی کودک، حمایت اجتماعی، سطح تحصیلات مادر و استرس والدینی مادر وجود دارد. این دانش آموزان نسبت به دانش‌آموزان دیگر نیازمند توجه بیشتری برای موفقیت و پیشرفت در ادامه تحصیل هستند که در برخی موارد نیز در طلب آموزش‌های خاص و ویژه می‌باشند، به‌مین‌خاطر مادران آن‌ها نگران موفقیت فرزندشان در دوران تحصیل بوده و همچنین از سویی نگران نوع‌نگاه و واکنش جامعه نسبت به خودشان هستند که در این صورت فشار روانی، اضطراب و استرس بیشتری را تجربه می‌کنند که موجب فرسودگی در نقش والدینی‌شان می‌شود؛ بنابراین فرسودگی والدین ناشی از اضطراب‌های اجتماعی متعدد و آسیب‌های روانی قابل توجهی که هم خود دانش‌آموزان و هم والدین به‌ویژه مادر متحمل می‌شوند، اتفاق می‌افتد. در این باره آوریما و همکاران (۲۰۲۲) نیز نشان دادند که درک والدین از میزان ناتوانی یادگیری فرزندشان و همچنین استفاده آن‌ها از راهبردهای مقابله‌ای متمرکز بر هیجان، پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای سطوح استرس والدین بودند. همچنین موسوی (۱۳۹۸) نشان داد که بین داشتن فرزند دارای ناتوانی و فرسودگی والدینی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد؛ می‌توان نتیجه گرفت که توجه به متغیرهای زمینه-

ساز فرسودگی مادران به‌عنوان مراقبان دائمی و پرورش-دهندگان فرزندان امری ضروری در توسعه و غنای روابط والد-فرزندی محسوب می‌شود. این‌گونه مادران، هنگامی که متوجه این اختلال در فرزندشان می‌شوند، واکنش‌های متعددی از قبیل ناامیدی و یاس و انکار گرفته تا برخورد مناسب و منطقی با مسئله و تصمیم‌گیری درباره مدیریت و یاری‌رساندن به دانش-آموز برای ادامه موفقیت‌آمیز مسیر تحصیل و زندگی از خود نشان می‌دهند (نقش و همکاران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین بخشی از مشکلاتی که کودکان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص که در محیط خانواده تجربه می‌کنند، ناشی از بی‌توجهی به نیازهای آنان و شیوه‌های فرزندپروری و نوع نگرش والدین از جمله مادر می‌باشد (ساهو و همکاران^۲، ۲۰۱۸). این قبیل مشکلات که از رویدادهای درون خانوادگی نشات می‌گیرد که می‌توان به شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه، آزادگذاری و بی-توجهی به نیازهای اولیه این قبیل دانش‌آموزان اشاره نمود (فرزی و همکاران، ۱۳۹۹). در این مورد ایزدپناه و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود بیان کردند که می-بایستی این نگرش در خانواده‌ها ایجاد شود که این دانش‌آموزان متعلق به جامعه عادی هستند و استثنایی تلقی نمی‌شوند و همچنین والدین باید نقش خود را به عنوان معلمان طولانی‌مدت کودک، بپذیرند. و در آخر این مادرانی که فرسودگی والدینی را تجربه می‌کنند نیازمند مداخلاتی برای کنار آمدن با استرس، افسردگی و اضطراب می‌باشند؛ چرا که آن‌ها برای حفظ آرامش خود و فرزندانشان با مشکلات متعددی دست‌وپنجه نرم

^۲. Sahu

^۱. Al-Yagon

مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص احساس درماندگی، خشم و افسردگی می‌کنند و این حالات مستقیم بر نحوه ارتباط آن‌ها با فرزندانشان تاثیر می‌گذارد و در این صورت آن‌ها نمی‌تواند که با نیازهای ویژه فرزندانشان خود را منطبق کنند. از آنجا که نوع تفکرات و نوع نگرش والدین تاثیر مستقیمی بر روی رفتار فرزندان دارد، در این بین خوش‌بینی یا تفکر مثبت و یک احساس مهربانی و خوددلسوزی به خود، می‌تواند بر پیامدهای رفتاری تاثیر بگذارد (رابینز^۴، ۲۰۰۸). وجود دانش‌آموزان دارای اختلال رفتاری یادگیری خاص در خانواده، برای مادران منبع تنیدگی و استرس می‌باشند که عملکرد روان‌شناختی مثبت والدین را کاهش می‌دهد؛ همچنین وضعیت ویژه این دانش‌آموزان موجب می‌شود که مادران آن‌ها بیشتر از دیگر دانش‌آموزان برای آن‌ها وقت گذاشته و انرژی بیشتری مصرف کنند و به همین دلیل کمتر فرصت می‌کنند که به علایق شخصی، فعالیت‌های اجتماعی و مهارت‌آموزی خود بپردازند (ایزنهاور، و همکاران^۵، ۲۰۰۵) که این‌ها موجب می‌شود آنان فرسودگی والدینی را تجربه کنند. در این‌جا خوددلسوزی به مادران کمک می‌کند تا خود را جدای از دیگران تلقی نکرده و مشکلات‌شان را فراتر از دیگران در نظر نگیرند. اگر مادران دانش‌آموزان مبتلا به اختلال رفتاری یادگیری خاص رنج‌های شخصی خود را به عنوان تجارب مشترک انسانی در نظر بگیرند و تشخیص دهند که عوامل خارجی متعددی ممکن است بر

می‌کنند (پارک^۱ و همکاران، ۲۰۲۰)؛ بنابراین، با تغییر نگرش مادر نسبت به فرزندپروری به‌عنوان مهم‌ترین فرد زندگی کودک، می‌توان چرخه‌ی معیوب فرزندپروری را اصلاح کرد، به‌طور کلی تغییر نگرش مادر نسبت به فرزندپروری، سبب کاهش اختلالات کودکان و از میان برداشتن عامل اضطراب و ناخشنودی در مادران می‌شود (متین و همکاران، ۱۳۹۷).

همچنین در بخش دیگر، نتایج نشان داد که مسیر نگرش‌های تربیتی مادر نسبت به کودک به خوددلسوزی رابطه مثبت و معنادار و مسیر خوددلسوزی به فرسودگی والدینی رابطه منفی و معناداری وجود دارد که نتایج پژوهش با پژوهش اسمان و اسونس (۲۰۲۱) هم‌راستا می‌باشد. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان کرد که خوددلسوزی، توجه به خود با همان مهربانی، نگرانی و حمایتی که نسبت به یک دوست خوب نشان می‌دهیم، است. هنگام مواجهه با کشمکش‌های زندگی و یا مقابله با اشتباهات و نقص‌ها خوددلسوزی به‌جای قضاوت نابجا با مهربانی به این عوامل پاسخ می‌دهد، به رسمیت شناختن این ناتکاملی بخشی از تجربه مشترک انسانی است (نف و گرمر^۲، ۲۰۱۳). خوددلسوزی یک راهبرد مقابله‌ای است که به افراد کمک می‌کند با سرنوشت‌شان و پیامدهای اعمال‌شان روبه‌رو شوند (گربر و اناکی^۳، ۲۰۲۱). سطح بالای خوددلسوزی تمایل به انجام افکار تکراری و انتقادی از خود را کاهش می‌دهد (محبی و همکاران، ۲۰۲۱). تحقیقات نشان داده‌اند که مادران دانش‌آموزان

^۴. Robbins

^۵. Eisenhower

^۱. Park

^۲. Neff & Germer

^۳. Gerber & Anaki

رفتارهای ما تاثیرگذار باشد؛ و همچنین با پذیرش اینکه رنج‌ها و دشواری‌ها تنها به آن‌ها محدود نیستند و نمی‌توانند بر تمام شرایط زندگی کنترل داشته باشند، در آن صورت آنان شکست‌ها و نقص‌های خود را راحت‌تر پذیرفته و آن‌ها را منحصر به خود نمی‌دانند (لوپز و همکاران^۱، ۲۰۱۶) و در این صورت از فرسودگی آنان جلوگیری می‌شود. به عبارتی، خوددلسوزی یک عامل مهم انعطاف‌پذیری در کسانی است که به دنبال درمان دردها و آسیب‌های گذشته‌اند (نف و گرمر، ۲۰۱۳). اسمان و اسونس (۲۰۲۱) بیان داشتند که موضوع بهزیستی روانشناختی والدین، توانایی والدین در شناخت منابع فیزیکی و عاطفی خود، توانایی اجتناب از فرسودگی آن منابع اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. در این زمینه، خوددلسوزی والدین می‌تواند منبع روان‌شناختی برای والدین باشد تا رویکردهای فرزندپروری مثبت را اجرا کنند و تماس مثبت با کودک را تشویق کنند. به طور کلی، انسان‌هایی که نسبت به خود، خوددلسوزی دارند، درک می‌کنند که کامل نبودن، شکست خوردن و تجربه‌های سخت زندگی غیرقابل اجتناب است. بنابراین آن‌ها زمانی که با تجارب سخت زندگی مواجه می‌شوند، به جای آنکه از نرسیدن به ایده آل‌هایشان عصبانی شوند، تمایل دارند که با خود مهربانی رفتار نمایند (کلیمکی و سینگر^۲، ۲۰۱۵)؛ بهمین خاطر، خوددلسوزی موجب کاهش خودقضاوت‌گری و داوری نسبت به نابسندگی و افزایش پذیرش بدون قضاوت می‌شود (مرادزاده و پیرخائف، ۱۳۹۷).

پژوهش حاضر نیز مانند سایر پژوهش‌ها محدودیت‌هایی دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به استفاده از نمونه دردسترس اشاره نمود که به دلیل نداشتن جامعه آماری مشخص و عدم همکاری برخی از والدین، پژوهشگر مجبور به استفاده از روش نمونه‌گیری دردسترس شد. از دیگر محدودیت‌ها می‌توان به محدود بودن جامعه آماری به والدهای مادر استان همدان بود که برای تعمیم آن به جوامع دیگر باید با احتیاط صورت گیرد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی در جوامع آماری دیگر و بر روی والدهای پدر نیز انجام گیرد، همچنین پیشنهاد می‌شود به شکل‌های مقایسه‌ای بین جامعه‌های مختلف و بین والدهای پدر و مادر انجام پذیرد. همچنین محدودیت دیگر ممکن است آزمودنی‌ها به پرسشنامه‌های پژوهش، بادقت و حوصله پاسخ نداده باشند و بر روی پژوهش تاثیر منفی گذاشته باشد، لذا پیشنهاد می‌شود تکمیل همراه با خودگزارش‌دهی آزمودنی‌ها صورت پذیرد تا اطلاعات حقیقی و درست جمع‌آوری شود. در آخر باتوجه به تاثیرات اختلال رفتاری یادگیری خاص در آینده تحصیلی فرزندان و همچنین سلامت روان و زندگی زناشویی والدین آن‌ها، پیشنهاد می‌شود مداخلات روان‌شناختی فردی و خانوادگی برای کاهش پیامدهای منفی و بهبود و افزایش موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در سطح مدارس و مراکز اختلال یادگیری انجام شود. پیشنهاد می‌شود گروه‌های مشاوره‌ای با خانواده‌های این دانش‌آموزان تشکیل شود تا والدین و فرزندان آنان با شناخت بیشتر نسبت به اختلال رفتاری یادگیری خاص و انتقال

^۲. Klimecki Singer

^۱. López Sanderman & Schroevers

- specific learning disabilities: ۵۰ years of science and practice. *American Psychologist*, ۷۵(۱), ۳۷-۱۵.
۵. Kranzler, J. H., Yaraghchi, M., Matthews, K., & Otero-Valles, L. (۲۰۲۰). Does the response-to-intervention model fundamentally alter the traditional conceptualization of specific learning disability?. *Contemporary School Psychology*, ۲۴, ۸۰-۸۸.
 ۶. Mikolajczak, M., Brianda, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (a) (۲۰۱۸). Consequences of parental burnout: Its specific effect on child neglect and violence. *Child abuse & neglect*, ۸۰, ۱۳۴۱-۴۵.
 ۷. Mikolajczak, M., Raes, M. E., Avalosse, H., & Roskam, I. (b) (۲۰۱۸). Exhausted parents: sociodemographic, child-related, parent-related, parenting and family functioning correlates of parental burnout. *Journal of Child and Family Studies*, ۲۷(۲), ۶۰۲-۶۱۴.
 ۸. Park, E. R., Perez, G. K., Millstein, R. A., Luberto, C. M., Traeger, L., Proszynski, J., ... & Kuhlthau, K. A. (۲۰۲۰). A virtual resiliency intervention promoting resiliency for parents of children with learning and attentional disabilities: a randomized pilot trial. *Maternal and child health journal*, ۲۴, ۳۹-۵۳.
 ۹. Séjourné, N., Sanchez-Rodriguez, R., Leboullenger, A., & Callahan, S. (۲۰۱۸). Maternal burn-out: an experience of self and others. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, ۵۹(۱), ۱۰۰-۱۰۷.
- تجربه‌های خود درباره مواجهه با آن و بهبود پیشرفت تحصیلی و سازگاری آموزشی دانش‌آموزان، آینده‌ای سرشار از موفقیت و بهروزی را برای فرزندان به ارمغان آورند.

References

۱. Auriemma, D. L., Ding, Y., Zhang, C., Rabinowitz, M., Shen, Y., & LantierGalatas, K. (۲۰۲۲). Parenting Stress in Parents of Children with Learning Disabilities: Effects of Cognitions and Coping Styles. *Learning Disabilities Research & Practice*, ۳۷(۱), ۵۱-۶۳.
۲. Fang, Y., Luo, J., Boele, M., Windhorst, D., van Grieken, A., & Raat, H. (۲۰۲۲). Parent, child, and situational factors associated with parenting stress: a systematic review. *European Child & Adolescent Psychiatry*, ۱-۱۹.
۳. Ginieri-Coccosis, M., Rotsika, V., Skevington, S., Papaevangelou, S., Malliori, M., Tomaras, V., & Kokkevi, A. (۲۰۱۳). Quality of life in newly diagnosed children with specific learning disabilities (SpLD) and differences from typically developing children: a study of child and parent reports. *Child: care, health and development*, ۳۹(۴), ۵۸۱-۵۹۱. ۴.
۴. Grigorenko, E. L., Compton, D. L., Fuchs, L. S., Wagner, R. K., Willcutt, E. G. & Fletcher, J. M. (۲۰۲۰). Understanding, educating, and supporting children with

- depression and anxiety among Chinese adolescents: Examining hopelessness as a mediator and self-compassion as a moderator. *Computers in Human Behavior*, ۸۶, ۳۷۷-۳۸۶. ۱۷.
۱۷. Moideen, N. & Mathai, S. M. (۲۰۱۸). Parental stress of mothers of children with learning disabilities. *Journal of Arts, Science & Commerce*, ۲(۴), ۱-۴.
۱۸. Roskam, I., Brianda, M. E., & Mikolajczak, M. (۲۰۱۸). A step forward in the conceptualization and measurement of parental burnout: The Parental Burnout Assessment (PBA). *Frontiers in psychology*, ۹, ۷۵۸.
۱۹. Sahu, A., Bhargava, R., Sagar, R., & Mehta, (۲۰۱۸). Perception of Families of Children with Specific Learning Disorder: An Exploratory Study. *Indian Journal of Psychological Medicine*, ۴۰(۵), ۴۰۶-۴۱۳.
۲۰. Takeda, T., & Lamichhane, K. (۲۰۱۸). Determinants of schooling and academic achievements: Comparison between children with and without disabilities in India. *International Journal of Educational Development*, ۶۱, ۱۸۴-۱۹۵.
۲۱. Roskam, I., Raes, M. E., & Mikolajczak, M. (۲۰۱۷). Exhausted parents: development and preliminary validation of the parental burnout inventory. *Frontiers in psychology*, ۸, ۱۶۳.
۲۲. López, A., Sanderman, R., & Schroevers, M. J. (۲۰۱۶). exploratory study. *Journal of reproductive and infant psychology*, ۳۶(۳), ۲۷۶-۲۸۸.
۱۰. Griffith, A. K. (۲۰۲۲). Parental burnout and child maltreatment during the COVID-۱۹ pandemic. *Journal of family violence*, ۳۷(۵), ۷۲۵-۷۳۱.
۱۱. Gerber, Z., & Anaki, D. (۲۰۲۱). The role of selfcompassion, concern for others, and basic psychological needs in the reduction of caregiving burnout. *Mindfulness*, ۱۲(۳), ۷۴۱-۰۵۷.
۱۲. Smane, I., & Svence, G. (۲۰۲۱). PARENTS' SELF-COMPASSION AND THEIR PERCEPTIONS OF CHILD REARING PRACTICES. *Problems of Psychology in the ۲۱st Century*.
۱۳. Chacko, D., & Vidhukumar, K. (۲۰۲۰). The prevalence of specific learning disorder among school-going children in Ernakulam district, Kerala, India: Ernakulam learning disorder (ELD) study. *Indian Journal of Psychological Medicine*, ۴۲(۳), ۲۵۰-۰۵۲.
۱۴. Kumar, P., & Agrawal, N. (۲۰۱۹). Learning disabled and their education in India. *Human Arenas*, ۲(۲), ۲۲۸-۲۴۴.
۱۵. Mikolajczak, M., Gross, J. J., & Roskam, I. (۲۰۱۹). Parental burnout: what is it, and why does it matter? *Clinical Psychological Science*, ۷(۶), ۱۳۱۹-۱۳۲۹.
۱۶. Chu, X. W., Fan, C. Y., Liu, Q. Q., & Zhou, Z. K. (۲۰۱۸). Cyberbullying victimization and symptoms of

۳۰. Pauley, G., & McPherson, S. (۲۰۱۰). The experience and meaning of compassion and self-compassion for individuals with depression or anxiety. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and Practice*, ۸۳(۲), ۱۲۹-۳۴۱
۳۱. Karande, S., Mahajan, V, & Kulkarni, M. (۲۰۰۹). Recollections of learningdisabled adolescents of their schooling experiences: a qualitative study. *Indian J Med Sci*, ۶۳(۶), ۳۸۲-۳۹۱.
۳۲. Robbins, B. D. (۲۰۰۸). What is the good life? Positive psychology and the renaissance of humanistic psychology. *The humanistic psychologist*, ۳۶(۲), ۹۶.
۳۳. Eisenhower, A. S., Baker, B. L., & Blacker, J. (۲۰۰۵). Preschool children with intellectual disability: syndrome specificity, behavior problems, and maternal wellbeing. *Journal of Intellectual Disability Research*, ۴۹(۹), ۶۵۷-۶۷۱.
۳۴. Yang, H. J. (۲۰۰۴). Factors Affecting Student Burnout and Academic Achievement in Multiple Enrollment Programs in Taiwan's Technical-vocational Colleges. *International Journal of Educational Development*. ۲۴(۳). ۲۸۳-۳۰۱.
۳۵. Neff, K. D. (۲۰۰۳). The development and validation of a scale to measure selfcompassion. *Self and identity*, ۲(۳), ۲۲۳-۲۵۰.
۳۶. Dewarna, R. F., & Abdullah, E. S. P. S. (۲۰۱۹, March). Parents Mindfulness and self-compassion as unique and common predictors of affect in the general population. *Mindfulness*, ۷(۶), ۱۲۸۹-۱۲۹۶. ۲۳.
۳۷. Al-Yagon, M. (۲۰۱۵). Fathers and mothers of children with learning disabilities: Links between emotional and coping resources. *Learning disability quarterly*, ۳۸(۲), ۱۱۲-۱۲۸.
۳۸. Bluth, K., & Blanton, P. W. (۲۰۱۵). The influence of self-compassion on emotional well-being among early and older adolescent males and females. *The Journal of Positive Psychology*, ۱۰(۳), ۲۱۹-۲۳۰.
۳۹. Klimecki, O. M., Singer, T. (۲۰۱۵). Compassion. In: Toga AW, editor. *Brain Mapping*. Waltham: Academic Press. ۱۹۵-۱۹۹.
۴۰. Neff, K. D., & Germer, C. K. (۲۰۱۳). A pilot study and randomized controlled trial of the mindful self-compassion program. *Journal of Clinical Psychology*. ۶۹(۱), ۲۸-۴۴.
۴۱. Yarnell, L. M. & Neff, K. D. (۲۰۱۳). Self compassion, interpersonal conflict resolutions, and well-being. *Self and Identity*. ۱۲(۲), pp. ۱۴۶-۱۵۹.
۴۲. Kline, R. B. (۲۰۱۱). Principles and practice of structural equation modeling (۳. Baskı). New York, NY: Guilford.
۴۳. Neff, K. D. (۲۰۱۱). Self-compassion, self-esteem, and well-being. *Social and Personality Psychology Compass*. ۵(۱), ۱,۲۱

‘Resilience of Child with Cerebral Palsy. In ۴th ASEAN Conference on Psychology, Counselling, and Humanities (ACPCH ۲۰۱۸) (pp. ۲۴۲۲-۲۴۲۷). Atlantis Press.